دریچه

قالیچه‌هایی با تصاویر مذهبی

در بین قالیچه‌های تصویری، تعداد کمی قالیچه با موضوع مذهبی وجود دارد. علت دوری جستن فرشبافان از بافتن صورت پیامبران و ائمه روی فرش نگرانی آنها از به زیر پا افتادن این قالیچه‌ها بوده است. به همین دلیل برای به گردن نگرفتن چنین گناهی حتی المقدور از بافتن صورت پیامبران و ائمه دوری جسته‌اند.

در چند دهه اخیر بافتن صورت پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) روی فرش رایج شده ست.

این قالیچه‌های کوچک پس از بافته شدن در قابی شیشه‌ای قرار داده و روی دیوار نصب می‌شوند. این قالیچه‌ها اکثرا از روی نقاشی‌های سیاه و سفید و فاقد رنگ بافته شده‌اند و کم و بیش شبیه به یکدیگرند و خلاقیت چندانی در آنها نیست.

یکی از قالیچه‌های مذهبی که بافت بلوچان است مربوط به شمایل حضرت مریم و فرزندش عیسی مسیح است. باید گفت چهره حضرت مریم(س) به خاطر زیبایی و معصومیت در گذشته نظر بسیاری از قالیبافان را به خود جلب کرده بود. قربانی کردن حضرت اسماعیل از سوی حضرت ابراهیم هم نمونه‌ای از نقشی است که تعدادی شبیه به هم بافته شده‌اند.

نگاه

فرش‌های اهدایی پادشاهان ایرانی به حرم امیرالمؤمنین

اسناد تاریخی نشان می‌دهد ایرانیان از دوران صفویان به بعد هر چه در چنته داشته‌اند برای توسعه و آبادانی اماکن زیارتی ازجمله عتبات عالیات به‌کار گرفته‌اند ازجمله شاهان ایرانی که فرش‌های نفیسی به صحن و حرم کربلا و نجف اهدا کرده‌اند. درباره شاه اسماعیل اول، پس از زیارت حرم عسکریین(ع) در سامرا نقل است: «به آن آستان عرش نشان، قالی‌های رنگین و فرش‌های الوان انداخته به فراشی و خدمت آن مکان تفاخر می‌کردند.» ناصرالدین شاه قاجار در سفرش به عتبات در سال ۱۲۸۷قمری/۱۸۷۰میلادی در زیارت از حرم حضرت علی(ع) چنین نوشته است: «فرش‌های ابریشمی قالی که صفوی، یعنی شاه‌عباس انداخته است و رقم هم دارد (کلب علی‌عباس) مثل این است که امروز از کارخانه درآمده است.» صفویان را باید هنردوستانی دانست که به فرش رونق بسزایی دادند و با راه‌اندازی کارگاه‌های بی‌شمار در تبریز، اصفهان، کاشان، کرمان، قزوین و... خدمت بزرگی به هنر ـ فرهنگ کشور کردند. شاهان صفوی به هنرمندان احترام خاصی قائل بودند و با به‌کارگیری آنها در کارگاه‌های قالیبافی سلطنتی اعتباری شگرف و جهانی به قالی ایرانی دادند. قالی‌های اردبیل که به فرمان شاه تهماسب در سال ۹۱۸ شمسی/ ۱۵۳۹ میلادی برای بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، نیای بزرگ صفویان با هنرمندی مقصود کاشانی بافته شد اوج اعتلای قالیبافی در این دوران طلایی فرش را نشان می‌دهد. این قالی‌ها که هم اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن و موزه لس‌آنجلس کانتی نگهداری می‌شوند جزو مفاخر فرش‌های جهان است که هر بیننده‌ای را محو زیبایی و طرح و نقش و رنگ خود می‌کنند.

فرش اهدایی از سوی شاه‌عباس صفوی

یکی از فرش‌هایی که شاه‌عباس به حرم امیرالمومنین(ع) اهدا کرده‌است، فرشی به طول ۷ متر و عرض ۳ متر است. بنابر اسناد موجود، این فرش ابریشم‌بافت است و در بسیاری از نقش‌مایه‌هایش نخ طلا و نقره به‌کار رفته که به آن گلابتون گفته می‌شود. از این فرش تنها تصویری متعلق به ۵۰ سال قبل موجود است و از سرنوشت آن اطلاعاتی در دست نیست. در سال ۱۹۵۰ کارشناسانی از کشورمان ضمن دیدار از این فرش، ارزش آن را نیم میلیون دینار عراق اعلام کردند. این فرش یکی از شاهکارهای فرشبافی ایران است که در خلق نقش‌مایه‌های آن از مروارید و یاقوت‌های بنفش، زمرد و حتی الماس استفاده شده است. این قالی در زمان صفویان و به دستور یکی از شاهان که اطلاعاتی از او در دست نیست بافته شده است.

فرش تزئین شده از مروارید از سوی ناصرالدین‌شاه

ناصرالدین‌شاه در زمان حکومت خود فرش‌هایی را به اماکن زیارتی نجف و کربلا اهدا کرده است ولی یکی از آنها که از سوی استادکاران هنرمند ایرانی بافته شده است غیرقابل ارزش‌گذاری است. در نقش‌مایه‌های این فرش از مروارید استفاده شده و در مرکز آن زمرد قرار دارد و عبارت «لا فتی الا علی و لاسیف الا ذوالفقار» با استفاده از مرواریدهای طبیعی در کناره آن بافته شده‌است.

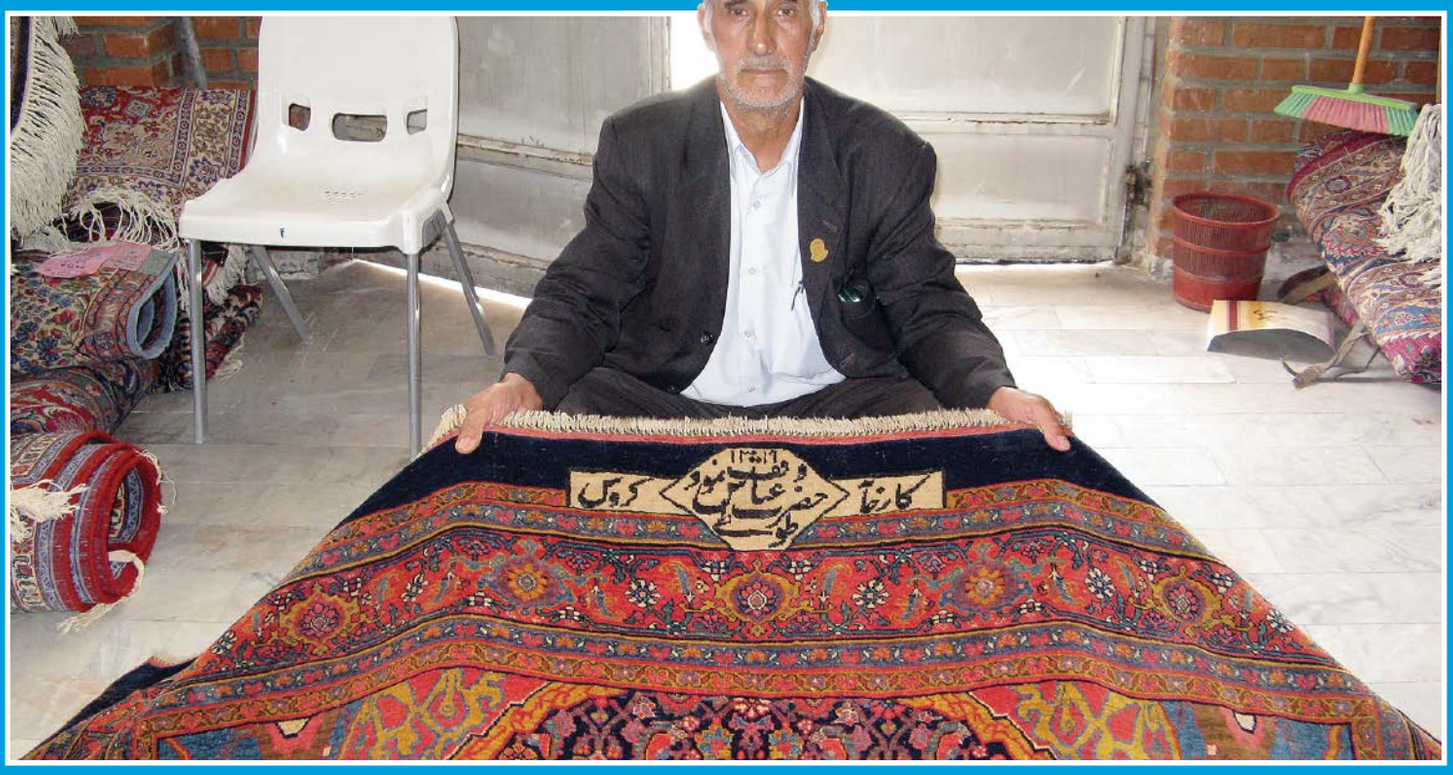

گفت‌وگوی جام‌جم با مسؤول شست‌وشو و مرمت فرش بقاع متبرکه عراق و سوریه

۲۰ سال مرمت‌کاری «فرش» در سرزمین «عرش»

حمید حاجی‌پور
روزنامه‌نگار

«یا امام حسین، من دلشکسته و دلسوخته‌ام، آرزو دارم برای تو و زائرانت کاری کنم. بطلب تا فرش‌های حرمت را بشویم و ترمیم کنم این تنها کاری است که از دستم برمی‌آید.» این جملات مرد ۸۶ ساله‌ای است که نزدیک ۲۰ سالی می‌شود شست‌وشو، ترمیم و نگهداری از فرش‌های دستباف کربلا نجف، سامرا، کاظمین و دمشق را به‌عهده گرفته است. حاج غلامحسین ابراهیم‌پور دخانی را در ستاد بازسازی عتبات عالیات همه دوست دارند. او را در کربلا و نجف، حاج دخانی صدا می‌کنند. مردی لاغراندام با صورت استخوانی و قدی تقریبا بلند که گرد پیری هنوز نتوانسته برجسم او غلبه کند.

ملاقات با خستگی‌ناپذیر ستاد بازسازی عتبات عالیات

حاج دخانی را در ستاد عتبات عالیات در خیابان شریعتی ملاقات می‌کنم؛ مردی شوخ و خندان با لهجه زیبای آذری.

اما این‌که چطور به خادمی اهل بیت درآمد، داستانی جالب و شنیدنی دارد که حاج دخانی برایمان این‌گونه تعریف می‌کند: «سال ۸۲ و پس از سقوط رژیم صدام حسین به کربلا رفتم. سری بعد که می‌خواستم به کربلا و نجف مشرف شوم، حاج حسین فیض یکی از مداحان جوان از من خواست تا ۱۰۰ نفر را به زیارت ببرم. وقتی از تهران خارج شدیم، او گفت حاجی ۱۰ اتوبوس دیگر هم قرار است به ما بپیوندد. گفتم پسرم ما اگر هنر کنیم، بتوانیم امور این ۱۰۰ نفر را رتق و فتق کنیم، چطور می‌توانیم از پس ۵۰۰ نفر بربیاییم. نصف این زوار زن هستند و در طول مسیر امکاناتی همچون سرویس بهداشتی یا تهیه غذا وجود ندارد.

حاج حسین گفت، خود امام حسین کمک‌مان می‌کند. دل به دریا زدیم و به‌سوی ایلام رفتیم. مشکلاتی زیادی پیش پایمان بود ولی گره‌ها یکی پس از دیگری باز شد. زوار را بردیم کربلا. آن زمان عتبات مثل حالا هیچ امکاناتی نداشت. با هر زحمتی بود از پس شرایط برآمدیم. زمان برگشت به حاج حسین گفتم تو خودت زوار را برگردان تهران، من می‌خواهم چند روزی بمانم تا با امام خلوت کنم.

رفتم حرم. پیش از این‌که به ضریح آقا اباعبدا... برسم، نگاهم به فرش‌ها بود. وضعیت بدی داشتند و به شدت کثیف و آسیب‌دیده بودند. رفتم به ضریح چسبیدم و با آقا درددل کردم. گفتم آقا من همیشه آرزو داشتم خادمت باشم و کاری برای شما و زائرانت کنم، بطلب تا فرش‌های حرمت را بشویم.

چند روز بعد برگشتم تهران و هنوز در حال عجیب آنجا بودم تا این‌که...»

حاج دخانی چشمانش پر از اشک می‌شود و ادامه حرف‌هایش را می‌گیرد: «برگشتم تهران و یکی از دوستانم به نام سردار باغبان به ملاقاتم آمد. از حال و هوای آنجا برایش تعریف کردم، گفتم از امام حسین خواسته‌ام بطلبد تا فرش‌های حرم او و برادرش را بشویم و ترمیم کنم. سردار بعد از شنیدن حرف‌هایم زنگ زد به رئیس وقت ستاد بازسازی عتبات عالیات و ماجرا را تعریف کرد. او هم با خوشحالی گفته بود من خیلی وقت است دنبال چنین آدمی می‌گردم. بگویید فردا بیاید پیش من.

صبح رفتم و ایشان برای من حکم مأموریت زد و هماهنگی‌ها را با متولیان حرم امام حسین و حضرت ابوالفضل(ع) انجام داد. روز بعد رفتم کربلا، شیخ مهدی کربلایی متولی حرم و معاونش ابوسیف گفتند چندماه پیش اکیپی از مشهد برای همین کار آمده بودند ولی به‌خاطر برخی ملاحظات قبول نکردیم ولی به شما اجازه می‌دهیم. کارم را با بازدید از مخزن فرش حرم امام حسین (ع) شروع کردم. بیشتر فرش‌ها نفیس و آنتیک و بخشی هم از نوع معمولی بودند. بیشترشان آسیب دیده بود و نیاز فوری به ترمیم داشتند.

همان روز کار را شروع کردم. پنج تا از قالی‌ها را بیرون آوردم و در گوشه‌ای از حیاط زیر تیغ آفتاب پهن کردم. رفتم از بازار نخ و سوزن و قیچی خریدم و شروع کردم به مرمت، سپس خاک‌های فرش را گرفتم و با کمک چند نفر از خادمین حرم، شستم.

دیدم کار زیاد است و یک‌تنه نمی‌توانم از پس آن بربیایم. برگشتم تهران و دستگاه خاک‌گیری، شلاق‌زنی و قالیشویی خریدم و با شش نفر که مرمت‌کار و قالی‌شوی بودند، برگشتیم کربلا.»

آغاز جهاد مرمت

بیرون حرم دستگاه‌ها را نصب کردیم و کار با شست‌وشوی فرش‌های کرمان، تبریز و مشهد آغاز شد، فرش‌هایی که تا به حال شسته نشده بودند. باور نمی‌کنید چقدر خاک داشتند. خاک‌ها را جمع می‌کردیم و به‌عنوان تبرک حرم امام حسین داخل کیسه می‌ریختیم. ابومهدی به من گفت جریان خاک چیست، وقتی ماجرا را گفتم خیلی خوشحال شد.

فرش‌ها را بعد از شست‌وشو وارد صحن کردیم و مرمت‌کارها شروع کردند به ترمیم، برایشان فرقی نمی‌کرد چه فرشی هست. کار ما، زائران را شگفت‌زده کرد. برخی می‌آمدند و تشکر می‌کردند. عده‌ای دقایقی محو کارمان می‌شدند و در کل مالذت می‌بردیم.

دو سال تمام کارمان شست‌وشو و مرمت فرش‌ها بود و برای این‌که کار سخت نشود، گاهی نیروهای جدیدی می‌آوردیم تا در کار خیر سهیم شوند.

سال ۸۴ کار را به بچه‌ها سپردم و به نجف رفتم، آرزویی که همیشه به‌دنبال برآورده شدنش بودم. پس از موافقت متولیان حرم حضرت امیر به مخزن فرش آنجا رفتم. بیش از ۲۰۰۰ فرش بود. وضعیت برخی فرش‌ها خراب بود ولی برخی‌شان از نظر کیفیت بهتر از کربلا بود. با توجه به حجم فرش‌ها برگشتم تهران و دستگاه‌های قالیشویی تهیه کردم و برگشتم نجف. دستگاه‌های قالیشویی را در بخشی از قبرستان وادی‌السلام نصب کردیم.

کار خوب پیش می‌رفت تا این‌که گفتند به‌خاطر کار شست‌وشو، آن بخش از قبرستان دچار نشست شده به همین علت ۱۵کیلومتری نجف زمین ۵۰۰۰ متری در اختیارمان گذاشتند و ما به بهترین شکل ممکن آن را تجهیز کردیم. در مدتی که در نجف مشغول کار بودیم بیش از ۱۵۰۰ فرش را شستیم و مرمت کردیم.

یکی از کارها، لول‌کردن فرش‌ها، تهیه شناسنامه و انبار کردن‌شان به صورت اصولی و استاندارد بود. سعی‌مان این بود فرش‌ها بعد از این سالم بمانند، چراکه نفیس و ارزشمند بودند و از طرفی متبرک به آستان ائمه.

سال ۸۶ با تلاش‌هایی که صورت گرفت به کاظمین رفتم. همین کارها را آنجا هم انجام دادیم. سه قالی بزرگ فوق‌العاده آنجا بود، دو قالی کرمان با نام ارجمندی و یک قالی ۲۴ متری مشک‌آباد.

در همین بین به قالی‌های آستان سیدمحمد ـ که در بین شیعیان عراق از احترام خاصی برخوردار است ـ رسیدگی کردیم.

سال ۹۳ هم کار شست‌وشو و مرمت فرش‌های مسجد کوفه را آغاز کردیم و همچنان هم مشغول کار هستیم. سال ۹۴ به آرزوی دیگرم رسیدم و به دمشق و حرم حضرت زینب(س) رفتم. مخازن فرش آنجا مثل مخزن فرش حرم پدرش پربود از فرش؛ حدود ۲۰۰۰ قالی و قالیچه داشت و بیشترشان ارزشمند و نفیس بودند.

از چه سالی در کار فرش هستید؟

از نوجوانی به فرش علاقه‌مند بودم. کار اصلی من برق بود و در تبریز مغازه الکتریکی داشتم. در همسایگی ما چند رفوگری بود. گاهی که بیکار می‌شدم پیش آنها می‌رفتم و علاقه‌ام به فرش بیشتر می‌شد تا این‌که وقتی تهران آمدم در بازار فرش مشغول شدم.

الان هم در بازار هستید؟

بله، حجره‌ای در بازار دارم و گاهی سری به آنجا می‌زنم.

الان ۸۶ سال دارید، چه زمانی خودتان را بازنشسته می‌کنید؟

من تا زمانی که زنده باشم، کار می‌کنم و چه عبادتی بالاتر از این‌که نوکری ائمه را کنم. من و قالیشویان و مرمت‌کارانی که در نجف و کربلا و کاظمین هستند با عشق کار می‌کنیم. کار ما زمانی تمام می‌شود که همه فرش‌ها را شسته و ترمیم کرده باشیم.

در اسناد تاریخی ذکر شده فرش‌هایی از نخ نقره و طلا به حرم امیرالمومنین از سوی شاهان صفوی هدیه شده، این فرش‌ها را دیده‌اید؟

متاسفانه این فرش‌ها را ندیده‌ام. گویا برخی فرش‌های نفیس در زمان صدام از مخازن سرقت شده‌اند. این فرش‌ها آن‌قدر نفیس و قیمتی هستند که قابل ارزش‌گذاری نیستند.

کار ثبت و شناسنامه‌دار کردن فرش‌ها چه کمکی به حفظ این فرش‌ها می‌کند؟

ما همه فرش‌ها را قبل از شست‌وشو عکاسی کرده‌ایم، بعد از ترمیم عکس گرفته‌ایم و برایشان شناسنامه تهیه کرده‌ایم تا همگی ثبت شده باشند و از سرقت احتمالی‌شان پیشگیری شود و سالم بمانند.

الان هم در صحن حرم‌های نجف، کربلا و کاظمین فرش دستباف پهن است؟

در حال حاضر فرش‌های ماشینی، جایگزین فرش‌های دستباف شده‌اند به این دلیل که از نظر طرح و نقش و اندازه یکی هستند و کار جمع‌آوری و شست‌وشوی‌شان راحت‌تر است.

البته چند فرش بزرگ پارچه و تازه‌بافت در حرم امیرالمومنین پهن است.

کار قالیشویی را به عراقی‌ها آموزش داده‌اید؟

بله در سال‌های گذشته به آنها خاک‌گیری و شست‌وشو را آموزش داده‌ایم و بسیاری از فرش‌های ماشینی از سوی آنها شسته می‌شوند، البته تاکید می‌کنم فقط فرش‌های ماشینی.

حاج دخانی دل‌دل می‌کند، قرار است هفته آینده اکیپی از قالیشویان و مرمت‌گران فرش را به مسجد کوفه ببرد. او لحظه‌شماری می‌کند تا سری به حرمین کربلا، حرم امیرالمومنین و حرم عسکریین بزند. پیرمرد ۸۶ساله ماموریتش همچنان ادامه دارد.

حل سودوکو ۴۱۳۹

۴	۳	۲	۸	۱	۹	۶	۵	۷
۸	۱	۹	۷	۵	۶	۲	۳	۴
۵	۷	۶	۴	۳	۲	۸	۱	۹
۱	۶	۸	۳	۲	۷	۹	۴	۵
۷	۹	۵	۱	۶	۴	۳	۲	۸
۲	۴	۳	۹	۸	۵	۷	۶	۱
۳	۸	۷	۶	۴	۱	۵	۹	۲
۶	۲	۱	۵	۹	۸	۴	۷	۳
۹	۵	۴	۲	۷	۳	۱	۸	۶

۱	۳	۷	۲	۴	۸	۹	۵	۶
۲	۸	۵	۶	۱	۹	۷	۳	۴
۴	۶	۹	۵	۷	۳	۸	۲	۱
۷	۹	۲	۳	۶	۴	۵	۱	۸
۸	۴	۶	۱	۹	۵	۳	۷	۲
۳	۵	۱	۸	۲	۷	۶	۴	۹
۶	۷	۳	۴	۸	۱	۲	۹	۵
۹	۱	۸	۷	۵	۲	۴	۶	۳
۵	۲	۴	۹	۳	۶	۱	۸	۷

۴	۸	۶
۷	۳	۹
۲	۱	۵

۱	۳	۲
۸	۵	۶
۷	۴	۹

۹	۴	۸	۱	۵	۲	۶	۳	۷
۱	۵	۷	۳	۶	۹	۸	۲	۴
۲	۳	۶	۴	۷	۸	۹	۱	۵
۷	۶	۳	۲	۸	۴	۵	۹	۱
۴	۱	۲	۷	۹	۵	۳	۶	۸
۵	۸	۹	۶	۱	۳	۴	۷	۲
۳	۷	۴	۸	۲	۶	۱	۵	۹
۶	۲	۵	۹	۴	۱	۷	۸	۳
۸	۹	۱	۵	۳	۷	۲	۴	۶

۷	۳	۴	۵	۹	۶	۱	۸	۲
۸	۲	۶	۹	۷	۴	۵	۳	۱
۹	۱	۳	۲	۸	۷	۶	۴	۵
۱	۵	۸	۷	۳	۲	۴	۶	۹
۳	۴	۲	۶	۱	۹	۸	۵	۷
۶	۹	۵	۴	۲	۸	۳	۱	۴
۲	۸	۱	۳	۶	۵	۹	۷	۴
۴	۶	۷	۱	۹	۳	۲	۸	۵
۵	۹	۳	۸	۴	۲	۷	۶	۱

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.
همچنین هیچ عددی در یك سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

سودوکو ۴۱۴۰

				۳				۴
			۹		۱			
				۵				
	۹		۲		۷		۶	
۳		۲				۸		۹
	۸		۳		۹		۵	
				۶				
			۱		۸			
۶				۷				

۳				۲				
			۵		۷			
				۸				
	۴		۹		۶		۲	
۱		۷				۸		۵
	۶		۸		۱		۹	
				۹				
			۱		۳			
				۶				۱

				۲				
			۵		۳			
				۴				
	۹		۳		۴			
			۲		۱		۸	
	۶							
				۹				
			۵		۶			
				۳				
				۶				۲

۹				۵				
			۸		۱			
				۹				
	۸		۲		۹		۱	
۳		۲				۶		۹
	۱		۷		۵		۳	
				۴				
				۶				۲
				۷				۳

				۳				
			۱		۷		۴	
			۹		۴		۵	
				۶				
			۲		۸			
				۴				
	۸		۱		۷			
۷		۴				۹		۲
			۵		۶			
				۳				